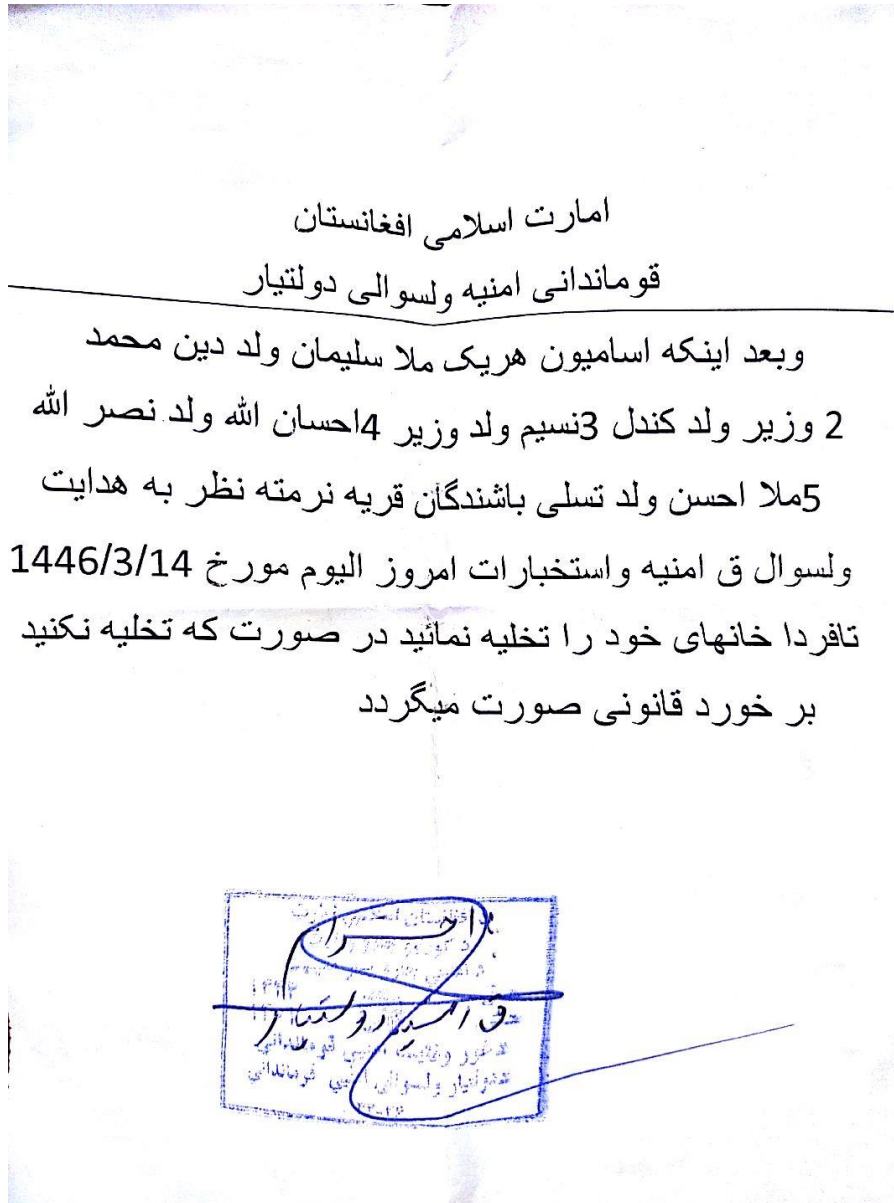


فهم ملا احمد شاه «دین دوست» والی طالبان در غور از قانون

حکم زیر متن یک از احکام مقام های طالبان در غور است که به زعم خویش می خواهند یک قضیه صد و اند ساله در دولتیار میان مردم تیمنی دولتیار و سردارها را برای ابد حل و فصل می کنند.



درین نوشته یگانه چیزی که واضح و آشکار است، این است که این حکم از طرف ولسوال، قوماندان امنیه و استخبارات ولسوالی دولتیار صادر شده است که در آن فقط یک روز وقت داده شده است که

افراد یاد شده خانه های خود را تخلیه نمایند. اگر تخلیه نکنند به آن ها برخورد قانونی صورت می گیرد.

البته وقتی که برخورد قانونی می شود، باید قانونی هم وجود داشته باشد. این قانون مثلی اینکه نزد مقام های معظم وجود دارد، غیر از آنان کسی نمی داند.

کوچ های اجباری و تخلیه کردن خانه ها را مردم تیمنی دولتیار بیش از صد سال است تجربه می کنند. اما تمام کوچ ها و تخلیه ها مانند این حکم غیر قانونی بوده است. مردم تیمنی هنوز هم در دولتیار زندگی می کنند و زندگی خواهند کرد.

نخست اینکه این حکم اگر قانونی است بر اساس کدام ماده قانون صورت می گیرد. در صورت که چنین نباشد، پس برخورد قانونی نیز صورت نخواهد گرفت.

دوم اینکه لازم است که نه تنها مردم باید بدانند این حکم بر اساس کدام قانون صادر شده است و نیز باید بدانند بر اساس کدام قانون برخورد می شود. وقتی از قانون یاد می شود، مواد آن نیز باید ذکر شود. آیا در این موضوع خاص قانون وجود دارد و اگر وجود دارد، کدام است.

سوم اینکه برای چه مردم خانه های خود را تخلیه کنند، آیا این دعوای صدساله میان مردم تیمنی و سردار هادر یک روز و آن هم از سوی ولسوال، قوماندان امنیه و استخبارات قابل حل می باشد. دعوا ها را محکمه ها حل می کنند نه قوماندان یا رییس استخبارات.

چهارم اینکه درین وقت زمستان نزدیک شده است، مردم به کجا سرپناه پیدا کنند. زمستان در حال فرارسیدن است. پس این عمل غیر قانونی و غیر انسانی را چرا انجام می دهید.

پنجم اینکه آیا قانون به مقام های دونپایه یا مادون یک ولسوالی که عبارت از ولسوال، قوماندان امنیه و استخبارات است این حق را می دهد که صد ها نفر را به یک حکم سه جمله ای، به یک گردش قلم بی خانمان بسازد. چنین قانون غیر انسانی نمی تواند وجود داشته باشد.

دلایل زیادی وجود دارد که این احکام که به روستاهای دیگر نیز روان شده است، در ذات خویش یک عمل غیر قانونی، ضد انسانی و غیر عادلانه است.

این امرها به ابتکار جناب ملا احمد شاه دین دوست انجام می یابد. جناب ملا احمد شاه دین دوست والی غور از سوی طالب ها والی و از لحاظ اداری نفر اول طالبان در غور است.

از لحاظ اداری تمام ولسوال های غور زیر فرمان او هستند. ولسوال دولتیار نیز هرکار غیر قانونی که انجام می دهد، امکان ندارد که ملا احمد شاه دین دوست تأیید نکرده باشد.

از سوی دیگر ملا احمد شاه دین دوست کسی هست که با مردم تیمنی دولتیار مخالف های منطقی، تنظیمی، فکری و غیره دارد.

او در باره دعوای زمین میان سردار ها و تیمنی ها شخص بیطرف نبوده بلکه طرفدار سردار ها است، زیرا یکی از خانم هایش از سردار ها می باشد. او نیت نیک به مردم تیمنی ندارد به این مردم خیر و نیکی نمی کند.

از سوی دیگر او با جمهوریت کرسی-غنی می جنگید و مردم تیمنی دولتیار این کار را نمی کردند. او دایم با مخالفان مردم تیمنی دولتیار همدست بود. اگرچه او از منطقه دولتیار نیست اما به جای اینکه دعوا را عادلانه بررسی و حل کند، از راه دور به آتش این دعوی صد ساله هیزم می افگند.

مردم تیمنی، مردم صلحدوست و ضد شورش و طغیان های غیر قانونی اند. این امر نیز به او انگیزه غیر قانونی داده است تا به مردم تیمنی نظر نیک نداشته باشد. همه این عوامل جناب ملا احمد شاه دین دوست را واداشته است تا از مردم تیمنی دولتیار به هر نحوی که شده انتقام بگیرد.

چندی پیش که اخراج دسته جمعی تیمنی های دولتیار محقق نشد، او حالا می کوشد به کوچ دادن اجباری مشخص و با نام گرفتن افراد به هدف غیر قانونی و غیر مردمی و نانسائی خود دست یابد. به یقین که او از یک سو قانون را نمی داند و از سوی دیگر از قدرت خویش سوء استفاده می کند. وقتی که یک نیروی سیاسی قدرت را به دست می گیرد، دیگر آن نیروی سیاسی مانند یک گروه یک طرفه و جانبدارانه نباید عمل کند. زیرا آن نیروی سیاسی خود را نماینده مردم می داند و مردم هم متشکل از افراد و شهروندان کشور است.

مردم تیمنی دولتیار حق دارند که از طالبان بخواهند که با آنان تنظیمی، یکطرفه، غیر قانونی و غیر انسانی رفتار نکنند.

یعنی اینکه گروه حاکم اداره و حاکمیت خود را بر اساس قانون، عدالت و منافع عامه، رفاه عمومی و کشوری در نظر بگیرد، نه گروهی یا تنظیمی و خویشاوندی که خودش به آن وابسته است. اصل بسیار مهم و اساسی در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور منافع عمومی است نه تنظیمی و گروهی و یکطرفه.

گروه طالبان می توانند مسایل را به اساس گروهی، یکطرفه، غیر قانونی، غیر عادلانه حل و فصل کنند، اما اگر چنین کنند، این کار مشکلی را حل نمی کند.

راه حل که ملا احمد شاه «دین دوست»، والی طالبان در غور از نام قانون انجام میدهد، نشان می دهد که این ملا حتا از الفبای قانون هم بی خبر است.

طالبان باید درک کنند که قدرت و حاکمیت آنان وقتی قانونیت و مشروعیت دارد که بر اساس قانون و عدالت باشد نه بر اساس زور و خودسری.

آیا می توان چنین دعوایی را که مردم ازده نسل در آنجا زندگی میکنند، هر دشت و کوه و کوتل و دره و چشمه به آن گواهی میدهد و قبرستان آبابی شان وسند ملکیت امیر عبدالرحمن خان مالکیت شان را اثبات می نماید، به یک حکم سه جمله یی و آن هم از سوی مقام ولسوالی، قوماندان امنیه و استخبارات حل کرد؟

چنین راه حل ظلم و ستمی بیش نیست. چنین راه حل، آتشی هست خفته در زیر خاکستر که می تواند در آینده شعله ور شود. از آن باید اجتناب کرد.

امارت اسلامی افغانستان

قوماندانی امنیه ولسوالی دولتیار

وبعد اینکه اسامیون هریک فیضا ولد محبوب 2
ظفر ولد ~~نور محمد~~ 3 میر علم ولد بسم الله 4 نور محمد ولد صوفی
5 عبد الحمید ولد عبد محمد 6 یوسف ولد حلیم 7 محمد گل ولد
عطا محمد بلالنگین قریه در وازه نظر به هدایت ولسوال
ق امنیه و استخبارات امروز الیوم مورخ 1446/3/14
تقردا خاتهای خود را تخلیه نمایند در صورت که تخلیه نکنید
بر خورد قانونی صورت میگرد

با احترام
ق امنیه دولتیار

نمونه دیگر ازین احکام طالبان